

دکتر محمد حمصی *

توزیع پیشرفتهای اقتصادی- اجتماعی زنان و رابطه آن با تأخیر در سن ازدواج و تحدید باروری در ایران

۱ - مقدمه:

از گذشته‌های نه چندان دور انتقادات بجائی از تعریف و طرز اندازه‌گیری توسعه در نوشته‌های پژوهشگران دیده میشود. از جمله اندازه‌گیری رشد و توسعه بر مبنای درآمد ملی، درآمد سرانه و یا سرمایه‌های تولیدی که مدتها ملاک واقع میگردد مورد شك و تردید قرار گرفته‌اند، بویژه که اگر درآمد ملی يك جامعه با توزیع عادلانه ثروت توأم نباشد بعید است که در ایجاد توسعه و رشد همه جانبه و همه‌گیر مؤثر افتد. نارسائی تئوریهای توسعه با وقایع اخیر مالی در سطح جهانی و مخصوصاً اثر و تمند شدن کشورهای نفت خیز بیشتر مورد تردید قرار گرفته است. در واقع متأخرین را عقیده بر اینست که توسعه و رشد يك کشور بستگی به عوامل پیچیده گوناگونی دارد که سرمایه و یادآمد ملی، یکی از آنها بشمار میرود.

در جستجوی معیارهای دیگری برای اندازه‌گیری توسعه، عواملی از قبیل میزان شهرنشینی، روند صنعتی شدن و انواع صنایع، کیفیت و کمیت سوادآموزی همگانی، تحرك اجتماعی، توزیع ثروت و رفاه و تأمین اجتماعی و بالاخره عوامل دموگرافیک مانند نرخ زاد و ولد، مرگ و میر، رشد جمعیت و غیره را نیز بعنوان ضابطه بکار می‌برند. این عوامل مربوط و وابسته بهم بهتر می‌توانند رشد و توسعه واقعی يك کشور یا منطقه را نشان دهند تا مثلاً درآمد ملی که چه بسا ممکن است تمامی آن نتیجه فکر خلاق دانشمندان، و مدیریت صحیح مدیران و خلاصه کار کارگران آن جامعه نباشد.

هدف از این رساله کوتاه بررسی اجمالی توزیع پیشرفت‌های اجتماعی- اقتصادی زنان ایران در سطح استان‌ها و رابطه آن با تأخیر در سن ازدواج و باروری بعنوان دو عامل حساس نسبت به تغییرات بنیادی در روند توسعه می‌باشد. اطلاعات و ارقام جمع‌آوری شده در سرشماریها و آمارگیریهای سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۱ منابع اصلی این رساله می‌باشند.

بچندین علت این رساله به بررسی وضع زنان ایران اختصاص یافته است :
اولاً سال ۱۹۷۵ از طرف سازمان مال متحد بعنوان سال جهانی زن اعلام گردیده و لازم است به نقش اساسی که زنان در پیشرفت و توسعه بازی میکنند توجه خاص مبذول گردد.
ثانیاً بعلت اهمیت که نقش زنان در تولید و تربیت نسل‌های آینده هر جامعه دارد باید در برنامه ریزی‌های دراز مدت به بهبود وضع آنان توجه بیشتری شود.
زیرا آینده کشورهای در حال رشد بیش از هر چیز بدست زنان و مرهون رفتار آنان می‌باشد تا تصمیم مردان.

ثالثاً دگرگونیهای سریعی که در وضع زنان ایران در جریان است مسائلی را طرح می‌کند که باید با دقت هرچه تمامتر مطالعه و بررسی شود تا در جهت گیری آنها روند مطلوب برای تسریع در رشد واقعی روشن گردد.

۲- نظری به دگرگونیهای اقتصادی و اجتماعی زنان ایران

در دهه‌های اخیر

ارقام و اطلاعات انتشار یافته و نتایج سرشماریها و آمارگیری های بیست سال گذشته روشنگر دگرگونیهای فراوانی در بیشتر جنبه های زندگی اجتماعی و اقتصادی زنان میباشد. از بسیاری لحاظ سرعت تغییرات حتی سریعتر از تحولات کلی جامعه ایران است. این دگرگونیهای مهم را تحت سه عنوان شهرنشینی، سواد آموزی و اشتغال بحث و بررسی مینمائیم.

الف - شهرنشینی :

جمعیت زنان ایران از حدود ۹ میلیون در سال ۱۳۳۵ به بیش از ۱۴ میلیون در سال ۱۳۵۱ افزایش حاصل نموده است. توزیع جغرافیائی و مکانی زنان از روند کلی افزایش شیوه شهرنشینی در ایران پیروی مینماید. بطوریکه در جدول شماره ۱ نشان داده شده درصد زنان شهرنشین از ۳۱ در زمان اولین سرشماری عمومی به ۴۳ در سال ۱۳۵۱ ترقی یافته است. بهمین نسبت رقم زنان روستانشین که ۶۹ درصد بود به حدود ۵۷ درصد تنزل نمود. زنان ایران همگام با مردان در افزایش شهرنشینی شرکت مینمایند. معمولا مردان باتفاق دیگر اعضاء خانواده بشهر کوچ میکنند و در مواردیکه مرد برای یافتن کار و تهیه محل سکونت تنها ده راترك نماید دیری نمی‌پاید که زن و فرزندان برای حفظ و حراست نظام خانوادگی باومی پیوندند. از اینرو در شهرها در مقابل هر صد نفر مرد مهاجر ۹۰ زن مهاجر یافت میشود که باتوجه باین حقیقت که در ایران بطور کلی تعداد مردان بیش از زنان است (۹۳ زن در برابر ۱۰۰ مرد) خود دلیلی بر نرخ بالای تحرك جغرافیائی زنان میباشد. بعلاوه ۹۷ درصد زنان علت مهاجرت خود را تبعیت از خانواده و ازدواج ذکر نموده‌اند که نشانه‌ای از نسبت خانواده گرائی و تسلط مرد در تصمیم‌گیری برای تعیین محل زندگی زن و فرزندان میباشد.

ب- سوادآموزی :

مهاجرت پیوسته تحرك مكاني را باعث ميشود و سوادآموزی معمولاً تحرك اجتماعي را بدنبال ميآورد. زنان ايران در امر سوادآموزی و تحرك اجتماعي نيز به پيشرفتهای چشمگیری نائل آمده‌اند. در سال ۱۳۳۵ در مناطق شهری کشور که از هر لحاظ از مناطق روستائي توسعه یافته‌ترند فقط ۲۲ درصد زنان قادر بخواندن و نوشتن بودند. اين رقم به نزديک ۵۰ درصد و يابيش از دو برابر تا سال ۱۳۵۱ افزايش يافته است. (جدول ۱). اين نسبت‌ها در مناطق روستائي با اينکه از ۱/۲ به ۸/۵ درصد افزايش يافته هنوز متأسفانه خيلي پائين است و احتياج به بذل توجه خاص دارد.

بر طبق آمار سال ۱۳۵۱ بيش از ۸ ميليون زن و ۶ ميليون مرد بيسواد در ايران زندگي ميکردند (جدول شماره ۲). جدول شماره ۲ موانع سد راه باسواد شدن آنها را در مناطق شهری و روستائي کشور نشان ميدهد. در مناطق روستائي کمبود مدرسه محلي باعث عدم امکان سوادآموزی بيش از ۷۰ درصد زنان بيسواد و ۶۶ درصد مردان بيسواد گرديده است. برعکس در مناطق شهری مهمترين مانع، مخالفت اولياء سنت-گرای دختران است. بطورکلي دختران بيش از پسران از اين راه عقب نگسپداشته شده‌اند. نکته جالب توجه اينکه اولياء دختران شهری بيش از اولياء دختران روستائي با مدرسه رفتن آنان مخالفت کرده‌اند. با اقدامات اساسي دامنه‌داری که در برنامه‌عمراني پنجم کشور برای گسترش سوادآموزی عمومي انجام ميگيرد و بويژه برنامه‌ايجاد مراکز خدماتي در سطح روستاها با تشکيل حوزه‌های عمراني يا شهرک‌ها، راه‌ايجاد مدارس بيشتری در دهات باز خواهد شد. از سويي تحصيلات را يگان مانع فقر مالي را تا حدودی از بين خواهد برد. ولي کوشش سازنده سازمانهای مسئول مانند وزارت آموزش و پرورش، دستگاههای ارتباط جمعي، سازمان زنان و مبلغين مذهبي کشور و غيره بايد در راه روشن نمودن اذهان عمومي و تفهيم ضرورت سوادآموزی برای هر فرد در اين

دوره از تاریخ ایران بسیج شود. بطوریکه در صفحات آینده این رساله روشن خواهد شد سوادآموزی زنان از عوامل بنیادی تغییرات اقتصادی و اجتماعی و دموگرافیک بحساب میآید. در واقع آموزش اولیاء دختران و تغییر عقیده آنان مسئله ایست که نباید در عین حال از نظر دور داشته شود.

ج- اشتغال :

سطح اشتغال زنان در کشورهای اسلامی بطور کلی پائین تر از کشورهای دیگر است. در ایران مثلاً فقط ۱۲ درصد زنان کل کشور که در سن کار هستند از نظر اقتصادی فعال بشمار میآیند. بادر نظر گرفتن کمبود شدید کارگر ماهر که اخیراً در مملکت احساس میشود میتوان به ارزش نقشی که زنان در اجراء برنامه های ملی و پیشرفتهای اقتصادی کشور دارند پی برد. با این وصف نسبت زنان شاغل شهری حتی در سالهای بین ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۰ نقیله معادل $\frac{1}{8}$ درصد را نشان میدهد. البته بخشی از این تقلیل درصد را باید در ازدیاد تعداد دانش آموزان مدارس و کسانی که بخاطر ادامه تحصیلات عالیه هنوز وارد بازار کار نشده اند بحساب آورد. از طرفی سهم زنان روستائی که در گرداندن چرخ اقتصاد کشاورزی مشارکت دارند از $\frac{9}{2}$ درصد به $\frac{15}{7}$ درصد در پانزده سال گذشته فزونی یافته است (جدول ۱).

در زمینه گسترش اشتغال نیز احتیاج به تغییرات و تحولات اساسی در آداب و رسوم و عقاید مردم نسبت به کار و مخصوصاً نسبت بارزش کار زنان شدیداً احساس میشود. در این مرحله تعداد زنان در مشاغل محدودی مانند آموزگاری و تدریس، منشی گری، فروشنده گی (در فروشگاههای بزرگ) کارخانه های مونتاژ و نساجی روبه فزونی است. از حقایق امیدبخش مربوط به دموگرافی زنان ایران، گسترش سریع شهرنشینی، سوادآموزی و اشتغال در بین نسل جوان است که از قدرت و فرصت سازندگی فراوان برخوردار میباشد.

۳- بررسی وضع ازدواج در ایران :

از بارزترین مشخصات مسئله ازدواج در ایران عمومیت آن در میان زنان است. کسانی که مثلاً تا سن ۵۰ سالگی هنوز ازدواج نکرده‌اند تعدادشان در جمعیت ایران به ۱ درصد هم نمی‌رسد. بعلاوه ازدواج ظاهراً در طول زمان حتی عمومیت بیشتری می‌یابد. اکثر زنان تا قبل از ۳۰ سالگی و تقریباً تمامی آنها تا قبل از سن ۴۴ سالگی (پیش از سن یائسگی) شوهر اختیار می‌نمایند. (جدول ۳).

ارقام جدول ۳ این عقیده را تأیید می‌کنند که هرگونه تغییر و تحول مثبتی در امر ازدواج را باید فقط در بت‌آخیر انداختن و یادگیری ازدواج در ایران جستجو کرد. در واقع از این راه می‌توان آسان‌تر زمینه را برای تحرک اجتماعی و خودسازی فردی نسل جوان فراهم نمود. بررسی وضع فعلی سن ازدواج و تحولات آن بحث اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد.

قانون مدنی ایران حداقل سن ازدواج را ۱۵ سال تمام برای دختر و ۱۸ سال تمام برای پسر تعیین نموده ولی در موارد استثنائی، با تشخیص و اجازه مقامات ذیصلاح ازدواج در سنین پائین‌تر هم ممکن است. لیکن هیچگاه نباید این استثناء شامل دختران کمتر از ۱۳ سال و پسران کمتر از ۱۵ سال گردد. متأسفانه از این نکته استثنائی غالباً سوءاستفاده شده ترتیب ازدواج دختران بسیار جوان را با مردان بزرگتر از آنها می‌دهند. قانون در اکثر موارد و بویژه در مورد ازدواج هنگامی کاملاً بمورد اجراء در خواهد آمد که مردم بآن ایمان و اعتقاد داشته باشند و رعایت آنرا بحال خود و جامعه مفید تشخیص دهند. در صورتیکه شرایط لازم برای تأخیر در سن ازدواج مانند سوادآموزی و استقلال مالی زنان، عدم مداخله والدین در امر همسریابی و همسرگزینی فرزندان و خلاصه آداب و رسوم اجتماعی تغییر نیابد، وضع قوانین جدید حل مشکل نخواهد کرد (۱) از سوئسی در جوامع متمدنی جوانان بدون اینکه از نظر قانون مانعی برای ازدواج

داشته باشند موقع آنرا سالها بتأخیر می‌اندازند. رفتار جوانان ایرلندی نسبت بامر ازدواج مصداقی است براین گفته.

در ایران علی‌رغم منع قانونی در سال ۱۳۴۵ تعداد ۳۴۰۱۵ نفر قبل از ۱۴ سالگی ازدواج کرده بودند. این تعداد گرچه خیلی کمتر شده ولی در سال ۱۳۵۱ هنوز در حدود ۷ هزار نفر پیش از سن قانونی تن باز دواج داده بودند. (۲) باید اشاره شود که این ارقام بوسیله سرشماری عمومی و نمونه‌گیری بدست آمده است ولی مطالعات محلی و مشاهدات نزدیک که بر مبنای پرسشنامه‌های مخصوص انجام گردیده حاکی از آنست که دردهات و شهرهای کوچک تعداد کسانی که عملاً در سنین پائین‌تر از ۱۵ سال ازدواج میکنند خیلی بیش از این ارقام می‌باشد. برای مثال در یک بررسی که برای پی‌بردن به عقاید روستائیان در مورد سن مناسب برای ازدواج در روستاهای تابع شرکت دیزج در آذربایجان شرقی صورت گرفته است ۱۰ درصد از پاسخگویان سن مناسب برای ازدواج دختران را در حدود ده‌سالگی، ۵۱ درصد ۱۰ تا ۱۵ سالگی و بقیه ۱۵ تا ۲۰ سالگی را ذکر کرده‌اند. (۳)

مطالعه‌ای در این زمینه در شهر مرودشت که اکثر ساکنین آن از کشاورزان و ایلات مهاجر می‌باشند نشان داد که ۴/۴۲ درصد از کلیه پاسخ دهندگان زن، خود در سنین کمتر از ۱۴ سال، ۵۲ درصد بین ۱۹-۱۵ سال و بقیه (جمعاً در حدود ۵ درصد) در سنین بیست سالگی یا بیشتر تن باز دواج داده‌اند.

مطالعات مزبور روشن‌گر این حقیقت است که مسئله ازدواج در ایران وارد مرحله‌ای جدید و امیدوارکننده می‌گردد. مثلاً زنان متأهل در مرودشت مناسبترین سن ازدواج را برای فرزندان خود با تفاوت کلی با وضع سنی که خود در آن ازدواج کرده‌اند بیان داشته‌اند. فقط ۱۳ درصد آنان سن کمتر از ۱۴ را جایز دانسته‌اند و اکثریت قریب باتفاق ایشان بهترین سن را برای ازدواج دختران خود ۱۹-۱۵ سالگی پیشنهاد

کرده‌اند. (۴)

یکهزار و چهل و شش نفر از دانش‌آموزان سیکل دوم دبیرستانهای دخترانه شهر شیراز که در سنین ۱۹-۱۵ سال میباشند سن ایده‌آل ازدواج را از زنان شهر مرودشت خیلی بیشتر ترقی داده فقط ۱۰ درصد آنان سن قبل از ۲۰ سالگی را مناسب میدانند. بیش از ۶۶ درصد دختران خواهان ازدواج در سالهای ۲۵-۲۰ سال بودند. ضمناً هیچکس سن بالاتر از ۳۰ سال را برای ازدواج مناسب ندیده است. در میان پسران بهترین سن ازدواج بین ۳۰-۲۵ سالگی طرفدار فراوان دارد. (۵)

اطلاعات عرضه شده در جدول ۴ رواج نسبی فکر دیررسی سن ازدواج را در مناطق شهری و روستائی در طول زمان تأیید میکند. بطور کلی نسبت هرگز ازدواج نکرده‌ها در جمعیت ایران از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۱ مرتباً رو با افزایش بوده است. ارقام قابل مقایسه سالهای ۵۱-۱۳۴۵ مخصوصاً مؤید این عقیده است که شیوه زندگی شهری در تأخیر انداختن سن ازدواج مؤثر میباشد.

افزایش در حدود ۱۳ درصد به زنان شهری و ۱۲ درصد به زنان روستائی هرگز ازدواج نکرده در مدت ۶ سال نمایانگر آغاز مرحله جدیدی از رفتار و انتظارات نسل جوان از همسرگزینی می‌باشد. همچنین ۷/۵ درصد افزایش ازدواج نکرده‌ها در سنین ۲۴-۲۰ در بین شهری‌ها علامت پیشرفت آنان در قبول نوآوری‌ها و تغییرات نوین اجتماعی و دوری از ازدواج پیش‌رس و تن‌دادن به ازدواج‌هایی است که بوسیله والدین بر آنها تحمیل میشود.

جهت تغییر در رفتار مردان نسبت به ازدواج نیز بطرف دیررسی یا تأخیر در آن می‌باشد. در حقیقت مردان روستائی در این امر پیشروتر از مردان شهری می‌باشند. شاید بدان دلیل که این دگرگونی از سالها پیش در شهرها ایجاد شده و اکنون تنها برای مردان روستائی يك دگرگونی جدید بشمار میرود. (جدول ۴)

۴- فوائد و اثرات دیررسی ازدواج:

قبلا باین نکات اشاره گردید که در ایران پیش‌رسی ازدواج از قرن‌ها پیش مرسوم بوده (۱) و (۲) و در سال‌های اخیر توجه جوانان بسوی دیر ازدواج کردن معطوف گشته است. از آنجا که دیررسی ازدواج یکی از علائم مثبت تحولات اجتماعی و اقتصادی جامعه و شروع تحول جمعیتی (۶) و راهی بسوی تحدید موالید می‌باشد بحث و بررسی فوائد و اثرات آن بطور جداگانه مفید خواهد بود. (۷)

نکته اول :

به عقب انداختن ازدواج از تعداد سال‌های قابل باروری می‌کاهد. زنانی که در ۱۵ سالگی شوهر می‌کنند در صورتیکه مسیر عادی زندگی خانوادگی را به پیمایند ۳۰ سال وقت برای تولید نسل دارند. دیررسی ازدواج از این دوره محدود می‌کاهد.

نکته دوم :

هرچه ازدواج برای مدت بیشتری به عقب انداخته شود، احتمال اینکه فرد مالا ازدواج کند کمتر می‌گردد. همبستگی منفی معنی‌داری بین سن هنگام ازدواج و درصد کسانی که مالا ازدواج می‌کنند وجود دارد. این واقعیتی است که هر دختر جوان بدان معتقد است.

نکته سوم :

هرچه سن بهنگام ازدواج بالاتر باشد، احتمال تنظیم باروری بیشتر است. این حکم به مفهوم آماری صحت دارد. همچنین به عقب انداختن ازدواج، زمینه‌ای مساعد برای اکتساب و فراگیری روش‌های جلوگیری بوسیله زوج‌های ازدواج نکرده فراهم می‌سازد. باین ترتیب گزینه جنسی همراه تنظیم باروری میشود نه دشمن آن. می‌توان بعنوان مثالی قابل قبول استدلال کرد که فاصله‌ی زیاد بین بلوغ و ازدواج در اروپا کمک مؤثری به ازدیاد رسم پس‌کشی کرده است، (۸) که اکنون مهمترین شیوه

جلوگیری در برخی از کشورهایی است که میزان باروری در آنها کم است .

نکته چهارم:

بیشتر مردم ازدواج را به تأخیر می‌اندازند و به تنظیم باروری توجه کمتری دارند. بطور کلی حدود درصد زنانی که در سنینی باشند که عقب انداختن ازدواج شامل حالشان بشود ۵۰ تا ۱۰۰ درصد بیشتر از زنانی است که در سنی که پایان دادن بچه‌دار شدن بایشان مربوط گردد وجود دارد. این تاخیدی ناشی از بقا و طول عمر و لسی عمدتاً نتیجه میزان رشد سریع است .

نااینجا فهرست وارد مورد ملاحظاتی بنفع به عقب انداختن ازدواج از نقطه نظر علم دموگرافی بحث گردید. از این پس از ملاحظاتی صحبت می‌شود که بیشتر از جنبه‌های توسعه اقتصادی و تحولات اجتماعی اهمیت دارند .

نکته پنجم :

عقب انداختن ازدواج کمتر ناخوشایند است تا خاتمه دادن به باروری. یکی از امتیازات سیاستی که هدف آن به عقب انداختن ازدواج است در مقایسه با سیاست مداخله مستقیم در امر باروری آنست که چنین سیاستی کمتر با مخالفت سنت‌گرایان در اجتماعات سنتی و گروه‌های مخالف در کشورهای معتقد به کلیسای کاتولیک رم روبرو میشود. زیرا برای مردم تأخیر موقتی در ازدواج به مراتب قابل پذیرش‌تر از جلوگیری دائمی یکی از رفتارهای جا افتاده است. بعلاوه مخاطبین هنگام صحبت از دیررسی ازدواج (nuptiality control) جوانان در حدود بیست ساله‌اند در حالیکه مخاطبین تنظیم باروری مردمان ۳۵ تا چهل ساله هستند. پذیرندگی بالنسبه سریع عقاید جدید بوسیله جوانان در مقایسه با بزرگترها یکی از مشخصات برجسته تاریخ معاصر است که می‌تواند در رواج رسم دیررسی ازدواج کمک شایان نماید. همچنین جا دارد که تأکید کنیم که محدود کردن خانواده باید بصورت مستقیم ، برای جلوگیری

از فقر انجام شود، در حالیکه به عقب انداختن ازدواج بصورت غیر مستقیم و با تکیه بر هدفهای مطلوبی چون آزادی فردی و آموزش شخصی و تحرک اجتماعی که بخودی خود بازدارنده ازدواج می باشند قابل انجام است. سرانجام، برای اینکه مردم، تنظیم باروری را خواستنی بدانند باید باین عقیده بزرگ شوند که فاصله زمانی ضمنی این پدیده از نظر رشد جمعیت گران تمام خواهد شد.

نکته ششم:

ازدواج مانع آموزش میشود.

درد جهان توسعه نیافته اینست که تلاش برای بالابردن سطح زندگی به خاطر زاد و ولد زیاد باناکامی مواجه می شود و بالعکس تلاش برای کاهش باروری، این میزان رشد اندک را با شکست روبرو میسازد. ازدواج به چند طریق اساسی در این مسئله دخالت دارد. فرض مسئولیت در قبال خانواده در ابتدای جوانی تا حد زیادی بازدارنده پویای تعلیم رسمی، غیر رسمی و حرفه ایست و این آموزشها برای نوسازی جامعه و توسعه اقتصادی ضروریند.

نکته هفتم:

اشتغال زنان با ازدواج رابطه معکوس دارد. زنان جوان برای آینده جوامع در حال توسعه نقش خطیرتری از مردان جوان برعهده دارند. اگر زنان بتوانند برای مدتی از تولید مثل رهایی یابند، فرصت بیشتری برای گسترش افق فکری و همچنین خدمت به توسعه اقتصاد ملی پیدا می کنند. باین ترتیب زنان راههای دیگری سواى مادر شدن برای ارضاء و کسب منزلت بدست می آورند و بعد از ازدواج ارزشهایی را که بیشتر با کنترل باروری موافقت میکنند بکار میبرند.

نکته هشتم :

ازدواج مانع تشکیل سرمایه میشود

پدر شدن و قبول مسئولیت فرزندان منابعی را به مصرف می‌رساند که در غیر اینصورت میتوان آن منابع را در جهت‌های منفعت‌آوری سرمایه‌گذاری کرد. از اصول رشد فردگرایی و سرمایه‌داری در غرب رسوخ این عقیده بود که مرد نباید ازدواج کند مگر اینکه زندگیش تأمین شده باشد. شروع پس‌انداز و فراهم نمودن سرمایه اولیه در جوانی و دوره مجردی آسانتر است.

نکته نهم :

ازدواج و تحرك باهم رابطه معكوس دارند.

ازدواج زود مانع تحرك که از ملزومات صنعتی شدن و شهرنشینی است میشود. از آنجا که این دو پویای اساسی توسعه اقتصادی؛ در عین حال از عوامل تغییرات اجتماعی نیز هستند، اثر فزاینده‌ای در هر سیاستی مانند به عقب انداختن ازدواج که دستیابی بآنان را تسهیل سازد وجود دارد.

نکته دهم :

به عقب انداختن ازدواج بقیمت کاهش خانواده‌گرایی ، موجب افزایش

فردگرایی میگردد .

یکی از تفاوت‌های اساسی بین کشورهای که توانسته‌اند از میزان باروری خود بکاهند و کشورهای که بدینکار موفق نشده‌اند اینست که در کشورهای اخیر الذکر خانواده‌گرایی از نفوذ فراوانی برخوردار است. قویترین مخالفتی که بانظریه‌ای که در تمام این رساله داده شد ممکن است ارائه شود این است که این نظریه به عقب‌انداختن ازدواج منغیر بارسومی است که ازدواج زود را توصیه میکنند. براساس این رسوم ازدواج نه به دلخواه شخص بلکه طبق نظر خانواده او تعیین میشود. برای دادن پاسخ

به این انتقاد باید گفته شود که خانواده‌گرایی و صنعتی شدن باهم مغایرند و پیشرفت دراز مدت اقتصادی تازمانیکه رسوم نسل گذشته شکل خانواده نسل آینده را تعیین میکند ممکن نخواهد بود. سن کم بهنگام ازدواج هم‌نشان دهنده خانواده‌گرایی و هم باعث تقویت آنست. خلاصه آنکه به عقب انداختن ازدواج مخالف رسوم است، اما این رسوم مخالف توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌باشند. ازدواج دیرتر به شخص جوان چند سال فرصت می‌دهد که به هدفهای شخصی و اجتماعی بپردازد نه اینکه خود را وقف خانواده خویش کند. ساخت سنتی اجتماع فرد را در دام مسئولیت‌های خانوادگی اسیر می‌سازد. نتیجه این شکل نظارت اجتماعی، باروری زیاد است. ارزشهای موافق با مسئولیت والدین نیاز به رهائی از چنین قیودی دارند. بعلاوه، هرچه که فردی دیرتر خانواده آینده خود را تشکیل دهد احتمال اینکه وظایفش تنها به دوش خودش باشد تا اقوامش بیشتر می‌گردد. بنظر میرسد که تمرکز مسئولیتهای مربوط به رفتار تونید مثل مستقیماً وبدون واسطه بردوش شخص تشکیل دهنده خانواده و پس‌زدن نظام اطمینان بخش خویشاوندی مهمترین خدمات در جهت رسیدن به هدف کنترل زاد و ولد بشمار می‌رود.

نکته یازدهم :

به عقب انداختن ازدواج موجب به عقب افتادن وابستگیها و مسئولیتهائی از طرف گروه سنی مربوطه میشود که در نتیجه، تغییر اجتماعی را تقویت میکند.

میتوان جامعه را بعنوان يك تمامیت در حال عمل دانست که داده‌های آن تولد و بازده‌های آن مرگ می‌باشند. اما بدون وابستگی به زندگی اعضاء هر دم عوض شونده‌اش بکار ادامه میدهد. با هر گروه سنی جدید، اجتماع با مشکل کاشتن و القاء خصوصیات خود در اذهان آغازگران مواجه میشود. این پدیده دائماً تداوم اجتماع را در معرض خطر قرار میدهد، اما از سوئی باپویش اجتماعی کردن خنثی میشود. در عین حال این پدیده نشان دهنده وجود فرصت دائمی برای گروه سنی جدید است تا عاملی برای آغاز نوآوریهای بنیادی شود. ازدواج زود همیشه همپای اجتماعی شدن خانواده‌گرا و ساخت نهادی ایستاست، اگر بتوان آنرا به عقب انداخت، فرد از تحت نظارت خانواده

پدري در مرحله‌اي بحراني از زندگي خود يعني وقتي كه بالغ شده است اما هنوز با شركت در نظام خانواده گرائي وقف آن نشده است آزاد ميگردد. بجزرات ميتوان ادعا كرد كه مردان و زنان بالغ از دواج نكرده عوامل منحصر بفسرد تغيير اجتماعي هستند. انقلابهاي سياسي، اجتماعي و فني گذشته و حال ثابت كننده اين نظريه است. بسسه عقب انداختن از دواج موجب ظهورهايي ميگردد كه آمادگي بيشترى براي پذيرش نوآوريهاي اجتماعي مانند توليد مثل حساب شده دارند، زيرا كه اين گروههاي سني كمتر از طرف خانواده‌هاي خود براي تكرر گذشته مورد فشار واقع شده‌اند.

۵- همبستگي بين ديررسي ازدواج و توسعه:

با در نظر گرفتن فوائد و شرايط لازم براي پيدايش عقیده تأخير در سن ازدواج كه پيرامون آن در صفحات پيش بحث شد اين بخش به بررسي رابطه و همبستگي بين ديررسي ازدواج و شاخص‌هاي توسعه مانند شهرنشيني، سوادآموزي و اشتغال زنان در استانهاي ايران اختصاص يافته است. بر مبنای آنچه تا كنون گفته شده و نتايج كار پژوهشگران در ديگر اجتماعات در حال توسعه سه فرضيه زير را ميتوان بيان داشت:

الف- هرچه سوادآموزي و همه‌گيري آن در يك اجتماع بيشتر گسترش بيابد سن ازدواج نيز بالاتر ميرود. بعبارت ديگر انتظار ميرود بين درصد زنان با سواد و درصد زنان هرگز ازدواج نكرده در سطح استانها و فرمانداريهاي كل رابطه و همبستگي مثبت وجود داشته باشد.

ب- هرچه سطح اشتغال و درنتيجه امكان استقلال مالي براي زنان بيشتر فراهم شود سن ازدواج نيز بالاتر ميرود. بگفته ديگر انتظار ميرود بين درصد زنان هرگز ازدواج نكرده در استان و درصد زنان فعال از نظر اقتصادي رابطه و همبستگي مثبت پيدا شود.

ج- بطور كلي سن ازدواج در شهرها ديرتر از سن ازدواج در روستاهاي استان ميباشد. انتظار ميرود كه تفاوت معني داري بين ميانگين درصد زنان ازدواج نكرده در مناطق شهري و روستائي استانهاي ايران وجود داشته باشد.

بمنظور آزمايش اين سه فرضيه اطلاعات قابل مقايسه سالهاي ۱۳۴۵ و ۱۳۵۰ براي هر استان و فرمانداري كل از نشريات مختلف استخراج و بصورت جدولهاي ضميمه

تهیه نموده‌ایم.

از آنجا که تفاوت فاحشی از نظر توسعه بین مناطق شهری و روستایی ایران مشاهده میشود این دو منطقه را جدا از یکدیگر و برای سالهای مختلف بررسی می‌نمائیم. (۹) ضریب همبستگی ترتیبی کندال (۱۰) را بین متغیر سواد آموزی و دیررسی ازدواج برای استانهای ایران محاسبه کرده‌ایم که نتایج آن در (جدول ۵) آمده است.

همچنانکه انتظار میرفت ضریب همبستگی‌های ترتیبی حاصله در سطح ۰.۱/ معنی‌دار میباشند. بعبارت دیگر میتوان با اطمینان نتیجه گرفت که در سطح استانها و فرمانداریهای کل ایران هر چه درجه سواد بالاتر رود تعداد کسانی که دیرتر ازدواج مینمایند نیز افزایش می‌یابد. بر مبنای این یافته‌ها بهترین راه گسترش عقیده دیر ازدواج کردن در سطح تقسیمات کشوری ایران اشاعه هر چه سریعتر و بیشتر سواد آموزی همگانی میباشد. باید اذعان کرد که دولت و دستگاههای مربوطه در این راه کوشش فراوان مبذول میدارند ولی با توجه با اهمیت حیاتی سواد آموزی و موانعی که در راه تأسیس مدرسه، استخدام معلم با تجربه برای دهات و بویژه تغییر فکر و عقیده والدین در راه باسواد شدن زنان وجود دارد کوشش صادقانه همگان ضرورت می‌یابد. کیفیت و کمیت سواد آموزی زنان اساس تحولات اجتماعی است.

نتایج بدست آمده از بررسی ضریب همبستگی ترتیبی بین نوع و درجه اشتغال و تأخیر در سن ازدواج و باروری ضعیف تر از آن است که بتواند فرضیه مربوطه را ثابت نماید. (جدول ۵) توجیه این مطلب با توجه به پائین بودن سطح اشتغال در بین زنان ایران مشکل نمی‌نماید. تعداد کسانی که از نظر اقتصادی فعالند و یا برای کسب درآمد کار میکنند در بین زنان در سن کار بقدری کم است که نمی‌تواند در بتأخیر انداختن سن ازدواج مؤثر افتد. البته ممکن است در مطالعات محلی و کوچک رابطه‌ای پیدا شود، ولی ارقام و اطلاعات بکار رفته در این مطالعه هنوز ظهور چنین همبستگی را در ایران نشان نمیدهد. سطح اشتغال و مشارکت زنان در نظام تولیدی يك جامعه از نظر کیفی و کمی باید قبلاً بحد معینی برسد تا زمینه را برای رهائی آنان از قید رسوم و آداب متداول خانوادگی و

قومی که ازدواج زودرس و ناخواسته را موجب می‌گردد فراهم آورد.

نیل بدین مرحله از رشد مستلزم سوادآموزی همگانی، اشتغال زنان و تغییر عقیده خانواده و جامعه نسبت به پدیده همسرگزینی جوانان می‌باشد. اگرچه مطالعه حاضر ضریب همبستگی معنی‌داری را در این مورد نشان نمی‌دهد ولی روند پیشرفت بطرف اشتغال روزافزون زنان و آزادی دامنه‌داران در تعیین سرنوشتشان می‌باشد. در برنامه پنجم عمرانی توجه خاص بوضع اشتغال زنان مبذول گردیده است و نسبت فعالیت درحالیکه در بین مردان ممکن است تقلیل یابد، در بین زنان افزایش قابل ملاحظه‌ای خواهد یافت. (۱۱) جدول ۶ تغییرات وضع فعالیت اقتصادی زنان را در طول برنامه پنجم نمایان می‌سازد. از آنجا که کلیه محاسبات قبلی برای مناطق شهری و روستائی استانها جداگانه انجام گرفت، اثر شهرنشینی را بر تأخیر در سن ازدواج نمیتوان از طریق محاسبه ضریب همبستگی ترتیبی کندال محاسبه کرد. بمنظور اندازه‌گیری این اثر روش آماری آزمون^۱ مناسبتر تشخیص داده شد. منظور از انجام آزمون^۲ در این مورد عبارتست از تعیین اینکه آیا اختلاف میانگین‌های درصد ازدواج نکرده‌های مناطق شهری و روستائی تقسیمات کشوری معنی‌دار می‌باشد؟ (۱۲) نتایج بدست آمده بطور اطمینان بخشی ثابت می‌کند که اختلاف معنی‌داری بین میانگین درصد ازدواج نکرده‌ها در سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۰ وجود دارد، زیرا مقدار محاسبه شده با ۲۰ و ۲۱ درجه آزادی بترتیب از رقم $2/85$ که حداقل اندازه^۳ برای معنی‌دار بودن آست بزرگتر می‌باشد (جدول ۷). نکته جالب‌تر اینکه مقدار^۴ نیز در طول ۶ سال بموازات گسترش شهرنشینی زیادتر گردیده است.

همچنین اختلاف معنی‌داری بین میزان باروری مناطق شهری و روستائی استانهای ایران در جدول آزمون^۵ گزارش شد. (جدول ۸) روشنگر این حقیقت است که در طول زمان میزان باروری کلی در ایران روبه کاهش بوده و این کاهش در مناطق شهری بیش از مناطق روستائی محسوس می‌باشد. باید توجه داشت که ایران علی‌رغم این روند هنوز دارای نرخ رشد جمعیت نسبتاً بالائی می‌باشد ($3/2$ درصد سال). بطوریکه بنظر میرسد این کاهش علامتی از ورود ایران به ابتدای مرحله سوم تحولات جمعیتی بامشخصه مرگ و میر کم و زاد و ولد کم شونده می‌باشد.

بامشاهده این روند باید در جستجوی عوامل مؤثر در کنترل باروری بود. از اینرو ضریب همبستگی ترتیبی کندال بین باروری و اشتغال زنان در صنایع خانگی روستائی (نساجی) و مشاغل مدرن شهری (۱۳) را نیز محاسبه کردیم که ضریب حاصله فوق العاده کم و معنی دار نبود (جدول ۵). همبستگی بین سوادآموزی و باروری گرچه در جهت پیش بینی شده تغییر می کند ولی هنوز ضعیف است.

وضع ایران از این نظر شبیه دیگر کشورهای خاورمیانه است که اطلاعاتی راجع به باروری آنان در دست می باشد. مثلاً مطالعات انجام یافته در ترکیه نیز همبستگی بین اشتغال زنان و باروری را تأیید نکرد (۱۴) و در مصرف فقط از دیاد اشتغال زنان در مشاغل مدرن با کم شدن باروری همپائی نسبی نشان می دهد در حالیکه با صنایع دستی روستائی همبستگی معکوس گزارش گردیده است (۱۵). بر مبنای این یافته ها می توان نتیجه گرفت که در مواردیکه زنان بتوانند خانه داری، بچه داری و کار درآمد داری مانند قالی بافی و نساجی و غیره را توأمأ در خانه انجام دهند لزومی برای تأخیر در ازدواج و تعدیل باروری احساس نمی کنند. از سوئی زندگی شهری و کار در صنایع مدرن که خارج از خانه انجام می گیرد و احتیاج به کسب مهارت دارد در صورتیکه عمومیت آن در بین زنان بحد معینی برسد ممکن است باعث ازدواج دیررس و القاگر فکر کنترل موالید و تحدید بعد خانوار باشد.

۶. خلاصه و نتیجه گیری :

بر مبنای کلیه مباحث گذشته و بطور خلاصه میتوان چنین نتیجه گرفت :

۱- بهبود وضع اجتماعی زنان بویژه از راه سوادآموزی در دیررسی ازدواج و نتیجتاً در کنترل موالید مؤثر است.

۲- تشویق زنان با اشتغال در شاخه های خدمات و صنایع نوین که آنها را برای مدتی از خانه بدور می دارد بیش از دست زدن بصنایع خانگی در گسترش فکر و محدود کردن امکان باروری آنان مؤثر می باشد. بعلاوه استقلال مالی که زنان در جوامع شهری بدست می آورند آنان را از قیود و سنت های خانواده پدری که زودرسی ازدواج

(ازدواج تحمیلی) و خلاصه بالابودن سطح باروری از مشخصات آن می باشد آزاد می نماید و نتیجتاً می توانند برای سرنوشت خود تصمیم بگیرند .

۳- شهرنشینی و شهرگرایی سریع زنان علی رغم همه نابسامانی هایی که ممکن است ببار آورد مددکارو مشوق دیررسی ازدواج و کنترل موالید می باشد.

چاره رشد کم و عقب ماندگی را باید در دگرگونیهای بنیادی در نظام اقتصادی، اجتماعی و اعتقادات و خلییات مردم جامعه کهن جستجو کرد. تسلط خانواده بر سرنوشت فرد، تسلط و تحکم مرد بر سرنوشت زن و قوانین و آداب جامعه در راه پرورش شخصیتشان را باید بنحو مطلوب دگرگون ساخت . بهر حال عوامل متعدد مانند تمایل به عقب انداختن ازدواج، کم شدن میزان باروری زنان شهری، رشد اقتصادی سریع، گسترش سوادآموزی و دسترسی بوسائل جلوگیری از باروریهای ناخواسته در ایران راه را برای شروع مرحله سوم تحول جمعیتی هموار مینماید.

منابع مورد استفاده :

۱- برای بحثی در این زمینه بمقاله زیر مراجعه شود:

Momeni, Djamshid, "The Difficulties of Changing the Age et Marriage in Iran" Journal of Marriage and the Family, Vol. 34, (August 1972) pp, 545-551.

۲- سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران- نتایج آمارگیری نیروی

انسانی ۱۳۵۱، نشریه شماره ۳۵۷، مردادماه ۱۳۵۳، صفحه ۴.

۳- آسایش، حسین- بررسی برخی از خصوصیات دموگرافیک جامعه روستائی

کشور در سال ۱۳۵۰- نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره زمستان (سال ۱۳۵۲)، صفحات ۵۴۵-۵۵۰.

۴- آقا،هما- بررسی نهاد خانواده در شهرستان مرودشت ، بخش عمران ملی دانشگاه پهلوی (خردادماه ۱۳۵۳).

۵- برای اطلاع بیشتر در این زمینه به نشریه زیر مراجعه شود:

Mehryar, A. H. and G. A. Tashakkori, Sex and Parental Education as Determinants of Marital Attitudes and Aspirations of A Group of Iranian Youth. Pahlavi Population Center Monograph Series (January 1975).

۶- منظور از تحول جمعیتی تئوری Demographic Transition میباشد که بمنظر میرسد ایران در شرف ورود بمرحله سوم آن است.

۷- برای مباحث تئوریک این مسئله به نوشته‌های زیر مراجعه شود:

Ryder, Norman B. "Realistic Pathway to Fertility Reduction in Developing Countries: The Perspective of the Sociologists," A Paper Presented at the Annual Meeting of the Population Association of America, New York, April 20, 1974.

Ryder, N, B. "Nuptiality as a variable in the Demographic Transition," A Paper Presented at the Annual Meeting of the ASA, New York, August 31, 1960.

برای نتایج مطالعات عملی روی مسئله تأخیر در سن ازدواج بمقالات زیر که برای نمونه نام می‌بریم مراجعه شود:

Lesthaeghe, R. "Nuptiality and Population Growth," Population Studies, Vol. 25-3 (November 1971), pp. 415-432; Mo-Im Kim and Others. "Age at Marriage, Family Planning Practices, and Other Variables as Correlates of Fertility in Korea," Demography Vol., 11-4 (November 1974), pp. 641-656; Das, Nitai Chandra, "A Note on the Effect of Postponment of Marriage on fertility" A Paper Contributed for the U. N. World Population Conference, Belgrads, Yugoslavia, September 1965.

۸- پس‌کشی را برای Withdrawal یا جماع منقطع بکار برده‌ایم.

۹- برای اطلاع بیشتر از تفاوت‌های منطقه‌ای و جغرافیایی در ایران بمقاله زیر

مراجعه شود :

حمصی، محمد- «روشی برای تقسیم‌بندی شهرها و مناطق همگن اقتصادی و

اجتماعی ایران - خرد و کوشش - دوره پنجم - دفتر دوم پاییز ۱۳۵۳ صفحات ۱۱۹-۷۹.

۱۰- شرح مفصل روش آماری Kendall's Tau در کتاب زیر آمده است:

Blalock, Hubert M. Social Statistics, New York, McGraw-Hill, (1960),
pp. 319-324.

۱۱- نسبت فعالیت در اینجهابه بهره جمعیت فعال از نظر اقتصادی به کل جمعیت

دهسال و بالاتر اطلاق میشود .

۱۲- برای شرح مفصل روش آماری آزمون χ^2 و اصطلاحات آماری بکاررفته در

این رساله به کتاب زیر رجوع شود:

مهریار، امیر هوشنگ- روشهای آماری در علوم رفتاری- جلد اول- نشریه

شماره ۴۲ دانشگاه پهلوی (شهریور ۱۳۵۲) ، صفحه ۲۲۱ و ۲۰۲ .

۱۳- اطلاعات مربوطه از دو نشریه زیر استخراج گردیدند: سازمان برنامه و بودجه،

مرکز آمار ایران- صنعت نساجی روستائی سال ۱۳۴۹ جدول (۱) و گزارشی از

نتایج آمارگیری جمعیت شهری، سال ۱۳۵۰ نشریه شماره ۳۴۳ (اسفندماه ۱۳۵۲)-

جدول ۷ .

۱۴- رجوع کنید به:

Stycos, J. M. and R. O. Weller, "Female working Roles and Fertility,"
Demography, Vol. 4-1 (1967), pp. 219-217.

۱۵- رجوع کنید به:

Bindary, Aziz and Others, "Urban-Rural Differences in the Relationship
Between Women's Employment and Fertilitx: A Preliminary
Study," Journal of Biosocial Science, No. 5 (1973) pp. 158-197.

جدول ۱ - تغییرات مشخصات اقتصادی واجتماعی زنان ایران در طی سالهای ۱۳۲۵-۱۳۵۱

کل زنان در همسال و بالاتر		کل زنان ۷ ساله و بالاتر		درصد	
سال	کل کلکته شهر نشین (۱۰۰۰۰ نفر)	شهر نشین کل (۱۰۰۰۰ نفر)	روستا تعداد باسواد (شهری)	باسواد تعداد باسواد (روستایی)	کل زنان در همسال و بالاتر
۱۳۲۵	۹۲۱۰	۲۹	۲۲/۴	۱/۲	۶۴۴۲
۱۳۴۵	۱۲۴۳۳	۳۸	۲۸/۴	۴/۲	۷۹۹۰
۱۳۴۸	۱۳۳۰۷	۴۰	۴۶/۴	۶/۰	۸۹۱۱
۱۳۵۱	۱۴۲۰۶	۴۳	۴۸/۰	۸/۷	۹۲۳۹

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه - مرکز آمار ایران - درگرفتهای اجتماعی و اقتصادی زنان ایران ونشریه شماره ۳۴۰.

(۱) - میزانهای سال ۱۳۴۵ مربوط به جمعیت ساکن و غیر ساکن است.

(۲) - جمعیت ۶ ساله و بالاتر.

(۳) - مربوط بسال ۱۳۵۰.

جدول ۲ - جمعیت بیسواد ۶ ساله و بالاتر بر حسب طل بیسوادی و جنس

در مناطق شهری و روستائی در سال ۱۳۵۱

مناطق روستائی	مناطق شهری		کل کشور (۱۰۰۰)		طل بیسوادی	
	% مرد	% زن	% مرد	% زن	مرد	زن
	۶۶/۸	۷۰/۹	۲۷/۴	۲۸/۱	۳۶۰۱	۴۸۰۴
۱- کمبود مدرسه محلی						
	۱۳/۵	۴/۷	۳۶/۲	۲۰/۳	۱۲۴۳	۸۱۲
۲- فقر مالی						
	۱/۲	۱۴/۹	۳/۳	۳۳/۷	۱۰۶	۱۷۵۱
۳- مخالفت ولی						
	۴/۰	۱/۴	۶/۸	۳/۰	۳۰۱	۱۵۷
۴- عدم علاقه						
	۱۴/۵	۸/۱	۲۶/۳	۱۴/۹	۱۱۳۵	۸۶۱
۵- سایر طل						
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۶۳۷۷	۸۳۸۵

منبع: مرکز آمار ایران: نتایج آمارگیری نیروی انسانی ۱۳۵۱

جدول ۳ - درصد زنان ازدواج کرده در گروه سنی ۳۵-۴۴ در سالهای مختلف

مناطق	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۱
کل کشور	۹۸/۵	۹۸/۹	۹۹/۴
مناطق شهری	۹۸/۰	۹۸/۲	۹۸/۹
مناطق روستائی	۹۸/۷	۹۹/۱	۹۹/۶

منبع: سرشماری های سال ۱۳۵۰-۱۳۴۵ و نتایج آمارگیری نیروی انسانی

سال ۱۳۵۱

جدول ۴- توزیع جمعیت در همسالان بالاتر و در حد هرگز از واج نکرده ها در مناطق شهری و روستایی بر حسب گروههای سنی - ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۱

تفاوت در صد ۱۳۵۱-۴۵	(۲) ۱۳۵۱				۱۳۴۵				(۱) ۱۳۳۵				سال جنس	
	روستایی	شهری	% روستایی	% شهری	% روستایی	% شهری	کل جمعیت (۱۰۰۰۰)	% روستایی	% شهری	کل جمعیت (۱۰۰۰۰)	% روستایی	% شهری		کل جمعیت (۱۰۰۰۰)
+۳/۴	+۶/۷	۲۷/۹	۳۶/۶	۹۶۷۳	۲۴/۵	۲۹/۹	۷۹۸۹	۱۲/۱	۱۲/۲	۶۲۴۲	۸۴۷	۷۱۰	۲۹۲	کل بالاتر از حد همسال
-۰/۴	+۳/۲	۹۹/۵	۹۹/۸	۱۸۴۷	۹۹/۹	۹۶/۶	۱۴۲۳	-	-	۸۴۷	۸۴۷	۷۱۰	۲۹۲	کل بالاتر از حد همسال
+۱۱/۹	+۱۲/۹	۶۰/۷	۷۲/۷	۱۴۷۴	۴۸/۸	۵۹/۸	۱۰۶۹	۶۱/۵	۵۴/۶	۷۱۰	۷۱۰	۲۹۲	کل بالاتر از حد همسال	
-۰/۶	+۷/۵	۹/۴	۳۵/۴	۱۱۴۹	۱۰/۰	۱۷/۹	۸۸۹	۱۶/۵	۱۴/۰	۷۹۲	۷۹۲	۲۹۲	کل بالاتر از حد همسال	
+۰/۸	-۰/۱	۰/۷	۲/۸	۳۳۳۳	۱/۴۹	۲/۹	۳۸۹۰	۴/۱	۳/۴	۲۳۵۴	۲۳۵۴	۲۹۲	کل بالاتر از حد همسال	
-	+۰/۱	۰/۴۱	۱/۱	۱۸۸۰	۰/۴۸	۰/۹۹	۱۷۱۷	۰/۸	۱/۴	۱۵۳۲	۱۵۳۲	۲۹۲	کل بالاتر از حد همسال	
+۴/۹	+۳/۲	۴۲/۳	۴۸/۹	۱۰۴۵۲	۳۷/۴	۴۵/۷	۸۵۴۶	۲۳/۹	۲۳/۹	۶۵۴۲	۶۵۴۲	۲۹۲	کل بالاتر از حد همسال	
-	+۰/۱	۹۹/۹	۱۰۰/۰	۲۲۲۰	۹۹/۹	۹۹/۹	۱۵۹۳	-	-	۹۷۴	۹۷۴	۲۹۲	کل بالاتر از حد همسال	
+۳/۳	+۲/۴	۹۵/۷	۹۸/۹	۱۵۸۰	۹۲/۴	۹۶/۵	۱۰۶۰	۹۱/۱	۹۸/۱	۷۱۰	۷۱۰	۲۹۲	کل بالاتر از حد همسال	
+۲/۵	+۲/۲	۶۰/۱	۷۸/۱	۱۰۱۳	۵۷/۶	۷۵/۹	۷۹۲	۶۱/۰	۷۶/۴	۶۹۹	۶۹۹	۲۹۲	کل بالاتر از حد همسال	
-۴/۱	-۲/۲	۵/۱	۱۱/۶	۳۲۴۹	۹/۲	۱۳/۹	۳۱۶۴	۱۳/۰	۱۶/۴	۲۴۴۹۷	۲۴۴۹۷	۲۹۲	کل بالاتر از حد همسال	
-۰/۴	+۰/۲	۰/۵	۱/۴	۲۳۹۰	۰/۹	۱/۶	۱۹۴۲	۱/۲	۳/۱	۱۶۶۲۰	۱۶۶۲۰	۲۹۲	کل بالاتر از حد همسال	

(۱) در سرشماری سال ۱۳۳۵ وضع از واج برای سنین ۵ ساله به بالا گزارش شده است.
 (۲) مرکز آمار ایران و ان و ان که آمار شهری و روستایی: نتایج آمارگیری شهری و روستایی ۱۳۵۱ شماره ۲۵۷ (مرداد ماه ۱۳۵۳).

جدول ۵ - ضریب همبستگی ترتیبی کندال تا او* بین بررسی ازدواج، میزان باروری و چندین شاخص توسعه در سطح استانهای کشور.

نام متغیر	زنان ده ساله به بالا که هرگز ازدواج نکرده اند			میزان باروری (۱)
	۱۳۴۵	۱۳۵۰	۱۳۵۰	
شهری	**	**	**	
روستایی شهری	**	**	**	
روستایی شهری	**	**	**	
روستایی	x	x	x	
باسواد	**	**	**	x
باسواد بامدرك تحصیلی ۶ ابتدائی و بالاتر	**	**	**	x
زنان فعال از نظر اقتصادي	x	x	x	x
زنان شاغل شهری (خارج از خانه)	x	x	x	x
زنان شاغل روستایی (داخل خانه)	x	x	x	x

* Kendall's tau rank correlation.

x - ضریب همبستگی معنی دار وجود ندارد.

** - ضریب همبستگی معنی دار در سطح ۰/۰۱.

(۱) - نسبت اطفال صغیر تا پنجمساله به زنان پانزده تا چهل و (Child-woman ratio) چهارساله ضریب در هسزار

جدول ۶- تغییرات فعالیتهای اقتصادی پیش بینی شده در برنامه پنجم به تفکیک جنس
(بر حسب هزار)

جمعیت	زن	مرد	تغییر
۱۳۵۱	۱۳۶۵	۱۳۵۱	۱۳۵۶
جمعیت دهساله و بالاتر	۱۱۹۶۳	۱۰۶۹۶	۱۲۴۵۰
جمعیت فعال	۱۸۱۷	۷۷۸۹	۸۷۸۳
نسبت فعالیت (درصد)	۱۵/۲	۷۲/۸	۷۰/۵
	۱۳/۸	+۱/۴	-۲/۳

منبع: سازمان برنامه و بودجه خلاصه برنامه پنجم عمرانی کشور ۵۶-۱۳۵۱، صفحه ۱۵

جدول ۷- نتایج آزمون t برای درصد زنان ازدواج نکرده و میزان باروری
مناطق شهری و روستایی استانهای کشور

سال	هرگز ازدواج نکردهها	میزان باروری
۱۳۴۵	$t = ۸/۶۵^*$	$t = ۶/۳۳^*$
۱۳۵۰	$t = ۱۰/۲۶^*$	$t = ۱۰/۸۶^*$

* معنی دارد در سطح یک درصد.

جدول ۸ تغییرات میزان باروری در ایران، مناطق شهری و روستایی
در سالهای ۳۵ - ۱۳۵۱

۱۳۵۱	۱۳۴۵	۱۳۳۵	
۷۸۶	۹۱۵	۸۶۶	کل ایران
۶۵۸	۸۰۲	۷۵۸	شهری
۸۹۱	۹۹۰	۹۲۱	روستایی

* نسبت اطفال کمتر از پنج سال به زنان پانزده تا چهل و چهار سال ضریب در هزار.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ضمیمه (۱) - توزیع درصد زنان ازدواج نکرده در مناطق شهری و روستایی استان ایران

استان یا فرمانداری کل	۱۳۴۵		۱۳۵۰		تفاوت درصد ۱۳۵۰-۴۵
	شهری	روستایی	شهری	روستایی	
گلکنشور	۲۹/۸۹	۲۴/۵۳	۳۴/۷۳	۲۸/۱۲	۳/۵۹
مرکزی	۲۹/۲۲	۲۴/۳۶	۳۴/۰۷	۲۶/۵۴	۲/۱۸
گیلان	۳۲/۹۱	۲۷/۹۳	۴۰/۲۳	۲۳/۶۲	۵/۶۹
مازندران	۳۳/۱۸	۲۶/۵۴	۳۹/۴۹	۲۲/۳۱	۵/۷۷
آذربایجان شرقی	۳۰/۶۸	۲۱/۰۶	۳۴/۴۰	۲۵/۱۳	۴/۰۷
* خراسانی	۲۹/۶۱	۲۶/۱۲	۳۶/۳۸	۲۹/۲۹	۳/۱۷
کرمانشاهان	۳۰/۰۳	۲۵/۳۴	۳۱/۸۰	۲۷/۰۶	۱/۷۲
خوزستان	۳۳/۲۵	۲۳/۶۹	۳۸/۲۸	۲۷/۹۰	۴/۲۱
فارس	۳۱/۱۵	۲۵/۴۲	۳۶/۱۲	۲۶/۸۱	۴/۳۹
کرمین	۳۲/۳۲	۲۷/۱۳	۳۷/۷۹	۲۹/۱۳	۴/۸۵
خراسان	۲۸/۹۹	۲۲/۶۰	۳۵/۴۷	۲۸/۴۶	۵/۸۵
اصفهان	۲۵/۸۱	۲۴/۷۲	۳۰/۲۷	۲۶/۸۲	۲/۱۰
سیستان و بلوچستان	۲۸/۹۸	۲۱/۰۰	۳۵/۶۴	۲۳/۶۸	۲/۰۸
کردستان	۳۰/۹۷	۲۴/۸۱	۲۳/۳۰	۲۵/۴۷	۰/۳۶
ساحلی جنوب و بندر	۳۲/۷۲	۳۰/۴۳	۳۴/۹۸	۳۰/۳۱	-۰/۱۲
فرمانداری کل همدان	۲۸/۱۷	۲۵/۵۵	۳۱/۰۲	۲۶/۱۵	۰/۶۰
چهارمحال و بختیاری	۲۷/۴۹	۲۴/۶۶	۳۳/۰۴	۲۸/۴۱	۳/۷۵
لرستان	۲۹/۱۵	۲۰/۹۷	۳۲/۶۷	۲۵/۴۲	۴/۴۵
ایلام	۲۶/۹۸	۲۴/۵۰	۳۳/۸۰	۲۶/۰۰	۱/۵۰
کهگیلویه و بویراحمد	۳۳/۴۸	۲۱/۱۳	۳۹/۶۵	۲۲/۸۵	۱/۷۲
زنجان	—	—	۳۳/۶۴	۱۹/۹۶	—
سمنان	۳۳/۵۱	۲۵/۷۵	۳۷/۶۵	۲۷/۸۵	۲/۱۰
یزد	۲۹/۲۵	۲۷/۰۵	۳۲/۱۰	۳۱/۱۰	۴/۰۵

منبع: سرشماری سال ۱۳۴۵ و آمارگیری سال ۱۳۵۰ کشور.

جدول ضمیمه (۲) - توزیع میزان باروری درمنطقه شهری و روستایی ایالت تهران

استان یا فرمانداری کل	۱۳۴۵		۱۳۵۰		تعمیرات درسالهای ۱۳۴۵-۱۳۵۰
	باروری	شهری	باروری	روستایی	
کل کشور	۸۰۲/۹	۹۵۲/۶	۷۳۱/۵	۹۹۷/۹	۷۱/۴ - ۴۵/۳
مرکزی	۷۲۷/۸	۷۹۵/۰	۶۶۸/۳	۹۹۶/۱	۵۹/۴ - ۲۰۱/۰
گیلان	۷۶۰/۷	۱۰۰۴/۲	۶۰۹/۵	۹۸۱/۲	۱۵۱/۲ - ۲۲/۹
مازندران	۸۱۹/۷	۱۰۳۵/۴	۷۴۱/۷	۹۸۴/۱	۷۷/۹ - ۵۱/۲
آذربایجان شرقی	۸۴۰/۰	۱۰۳۸/۵	۷۰۱/۵	۱۰۳۵/۴	۳/۰ - ۳۸۸/۴
غربی	۸۲۳/۵	۱۰۳۵/۷	۶۷۳/۰	۱۰۴۸/۴	۱۵۰/۴ - ۱۲/۷
کمانشاهان	۸۴۴/۹	۱۰۱۲/۴	۷۸۶/۳	۱۱۰۴/۱	۵۰/۶ - ۹۱/۶
خوزستان	۹۴۱/۳	۹۷۴/۱	۸۷۶/۳	۱۰۴۰/۰	۶۵/۰ - ۷/۸
فارس	۸۵۹/۳	۱۰۳۹/۸	۷۵۶/۲	۱۰۶۷/۸	۱۰۳/۰ - ۷۸/۱
کرمان	۸۰۸/۸	۹۵۴/۸	۷۲۲/۱	۸۶۶/۸	۸۵/۷ - ۵۷/۹
خراسان	۷۸۸/۱	۸۹۸/۰	۷۹۹/۴	۹۱۶/۱	۱۱/۳ - ۱۸/۱
اصفهان	۸۸۰/۵	۱۰۰۳/۳	۸۰۵/۵	۱۰۱۴/۲	۷۴/۹ - ۹/۰
سیستان و بلوچستان	۸۸۶/۸	۸۸۵/۱	۷۷۰/۸	۹۰۴/۹	۱۱۵/۷ - ۸/۱
کردستان	۸۲۸/۰	۹۲۳/۰	۷۱۵/۶	۹۱۷/۳	۱۱۲/۱ - ۵/۶
ساحلی جنوب و شهرستان	۹۵۶/۷	۸۴۰/۴	۸۷۴/۴	۸۸۳/۱	۸۲/۲ - ۴۲/۷
فرمانداری کل همدان	۸۳۵/۲	۱۰۰۱/۲	۷۷۱/۹	۱۰۱۹/۶	۶۳/۳ - ۱۸/۴
چهارمحال و بختیاری	۱۰۳۲/۰	۱۰۸۱/۷	۱۰۰۰/۰	۱۱۳۰/۳	۳۲/۰ - ۴۸/۵
یزدستان	۹۲۳/۹	۱۰۶۲/۲	۷۸۸/۸	۱۱۰۰/۴	۱۳۵/۰ - ۲۸/۱
ایلام	۹۷۸/۴	۱۰۲۳/۱	۱۰۲۴/۳	۱۰۷۸/۹	۴۵/۹ - ۵۵/۸
کهگیلویه	۹۶۷/۵	۱۱۲۴/۸	۸۶۴/۸	۱۲۰۲/۰	۱۰۲/۶ - ۷۷/۲
زنجان	—	—	۷۳۵/۴	۹۸۵/۵	—
تبرستان	۸۰۲/۱	۹۱۲/۹	۵۷۰/۶	۸۴۰/۳	۲۳۱/۵ - ۷۲/۵
بمرد	۸۰۲/۰	۹۱۲/۰	۶۹۸/۶	۸۸۳/۸	۱۰۳/۳ - ۲۸/۱

منبع: سرشماری سال ۱۳۴۵ و آمارگیری سال ۱۳۵۰ کشور.